

فصل اول: کلیات

۱-۱- طرح مسئله.....	۲
۱-۱-۱- سوال تحقیق.....	۶
۲-۱-۱- فرضیه تحقیق.....	۶
۳-۱-۱- متغیر مستقل.....	۶
۴-۱-۱- متغیر وابسته.....	۶
۲-۱- اهداف تحقیق.....	۶
۳-۱- جنبه های رؤآوری پژوهش.....	۷
۴-۱- تعریف مفاهیم.....	۷
۵-۱- پیشینه تحقیق.....	۱۰
۶-۱- روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها.....	۱۷
۷-۱- سازمان دهی پژوهش.....	۱۷
۸-۱- روش تحقیق.....	۱۸

فصل دوم: مروری بر سیاست خارجی دولت احمدی نژاد

۱-۲- گفتار نخست: جهت گیری و اصول رفتاری سیاست خارجی ایران در دولت نهم و دهم

مقدمه.....	۲۱
۱-۱-۲- جهت گیری عدم تعهد تجدید نظر طلب.....	۲۳
۲-۱-۲- مقابله با نظام تک قطبی و هژمونی آمریکا.....	۲۰
۳-۱-۲- روی کرد انتقادی نسبت به کشورهای اروپایی.....	۲۴
۴-۱-۲- اصلاح و تغییر سازمان های بین المللی.....	۲۶
۵-۱-۲- عوامل تاثیر گذار بر شکل گیری سیاست خارجی انتقادی در دولت نهم و دهم.....	۲۶

۲-۲- گفتار دوم: بررسی وضعیت سیاسی - امنیتی منطقه خلیج فارس (فرصت یا چالشی پیش

روی دولت احمدی نژاد)

۳۲.....مقدمه.....

۳۲.....۱-۲-۲ ویژگی سیاسی و امنیتی منطقه حاشیه خلیج فارس.....

۲-۳- گفتار سوم: روابط ایران و کشورهای عضو شورای هم کاری خلیج فارس، با تاکید بر

دولت احمدی نژاد

۴۱.....۱-۳-۲ روابط ایران با عربستان.....

۴۳.....۱-۱-۳-۲ ایران و عربستان نگاه به آینده.....

۴۸.....۲-۳-۲ نگاهی به روابط دو جانبه ایران و امارات.....

۵۳.....۳-۳-۲ نگاهی به روابط ایران و کویت.....

۵۹.....۴-۳-۲ روابط ویژه ایران و عمان.....

۶۲.....۵-۳-۲ روابط ایران و قطر(الگوی برای منطقه).....

۶۳.....۱-۵-۳-۲ حمایت قطر از فعالیت های هسته ای ایران.....

۶۴.....۲-۵-۳-۲ نقش انرژی(نفت و گاز) در روابط ایران و قطر.....

۶۴.....۳-۵-۳-۲ تحکیم مناسبات بین ایران و قطر.....

۶۶.....۴-۵-۳-۲ هم کاری های امنیتی میان ایران و قطر.....

۶۶.....۵-۵-۳-۲ موضع قطر در قبال تحریم ایران.....

۶۸.....۶-۳-۲ بررسی روابط ایران و بحرین.....

۷۴.....نتیجه گیری.....

فصل سوم: ملاحظات استراتژیکی و سیاست تعدیلی دولت احمدی نژاد در رابطه با کشورهای حوزه

خلیج فارس

۸۱.....مقدمه.....

۷۱.....۱-۳ ملاحظات امنیتی و ضرورت تعامل با شورای هم کاری خلیج فارس.....

۳-۲- اهمیت اقتصادی و تجاری خلیج فارس، ضرورتی برای همکاری با کشورهای عربی منطقه.....۸۶

۳-۳- ضرورت تعامل با شورای همکاری خلیج فارس در پرتو اهمیت انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس.....۷۸

۴- فصل چهارم: نتیجه گیری

۴-۱- نتیجه گیری.....۹۷

منابع و مأخذ.....۱۱۸

فصل اول

کلیات

۱-۱- طرح مسئله

در پی استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌ها و اولویت‌های جدیدی از سوی این کشور در عرصه بین‌المللی مطرح گردید، که به تصریح بسیاری از پژوهش‌گران بر پایه اصول ارزشی و انقلابی و آرمان‌خواهانه بنا شده بود، ایران نیز مانند بسیاری دیگر از واحدهای سیاسی در برخی از دوره‌های مختلف مجبور بوده است تا در جهت حفظ منافع ملی - اسلامی از پاره‌ای از آرمان‌های خود چشم‌پوشی کند و به نوعی هماهنگی با جهان گام بردارد. به گونه‌ای که این اقدام جمهوری اسلامی ایران، چرخشی به سوی واقع‌گرایی محسوب شده، که منبث از برخی از عوامل داخلی و نیز، الزامات جهان خارج، در فرآیند سیاست‌گذاری بوده است

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به عنوان یکی از متحدین آمریکا در منطقه خلیج فارس در قالب نظام دوقطبی نقش عمده‌ای ایفا می‌نمود. اما بعد از پیروزی انقلاب و خروج ایران از حلقه اتحاد با آمریکا، چهار تغییر عمده در اهداف سیاست خارجی ایران رخ داد: ۱. دست‌یابی به یک سیاست خارجی مستقل، ۲. اجتناب از شرکت در رقابت بین‌دو ابرقدرت، ۳. عدم اتکاء به یکی از دو بلوک قدرت، ۴. بهبود روابط با همه دولت‌ها به جز اسرائیل، با تصرف سفارت آمریکا و به دنبال آن استعفای دولت بازرگان و با روی کار آمدن انقلابیون، سیاست خارجی ایران شکل مواجهه جویانه به خود گرفت و با روی کار آمدن گرایانه در قالب سیاست "نه شرقی نه غربی"، به دنبال صدور انقلاب به سایر کشورهای منطقه بود. به طوری که دولت‌های منطقه سیاست خارجی ایران را در این دوره تهدیدی برای ثبات و امنیت خود تلقی کرده، و در پاسخ به این سیاست مواجهه جویانه ایران، ضمن تشکیل شورای هم‌کاری خلیج فارس در ۱۹۸۱، به عنوان یک مکانیزم دفاعی در مقابل ایران با حمایت از عراق در جنگ بین ایران و عراق، امکانات مادی و معنوی زیادی در اختیار آن کشور قرار دادند. در این دوره (۱۳۶۸-۱۳۵۷) سیاست خارجی ایران با در پیش

گرفتن شیوه‌های تهاجمی با استفاده از سیاست صدور انقلاب و حمایت از مبارزات آزادی بخش و نفی
مرزهای جغرافیایی و ترسیم مرزهای ایدئولوژیک، و کوشش در جهت خود اتکایی و استقلا ل در کنار

استکبار ستیزی و نفی هرگونه سلطه، و ارجحیت منافع و مصالح اسلامی بر منافع ملی کشور، و حوادثی چون - برگزاری تظاهرات سالانه در مراسم حج در خاک عربستان، و سوءظنی که درباره دست داشتن ایران در کودتای بحرین در سال ۱۹۸۱ و نیز بمب گذاری انتحاری در مقر نیروهای آمریکایی و فرانسوی در لبنان در اکتبر ۱۹۸۱- وجود داشت، ایران را بیش از پیش منزوی ساخت این انزوای نسبی تا زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران ادامه داشت.

اما با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، اتخاذ و اعلان پاره ای از مواضع و اظهارات سیاست مداران ایران، بسیاری را بر آن داشت که از شکل گیری و شروع مرحله جدیدی در سیاست خارجی ایران سخن بگویند، که اصطلاحاً روی کرد عمل گرایانه نام گرفت. این دوره در سیاست خارجی ایران (۱۳۷۶-۱۳۶۸)، در حقیقت نشان دهنده تمایل ایران به سوی نوعی روایت پراگماتیستی و واقع گرایانه بود تا با چشم اندازی تازه، بین آرمان های درون گرانه ایدئولوژیک و واقعیت های جدید سیاسی آشتی برقرار کند. بنابراین در این دوره تلاش سیاست خارجی ایران بر رفع تحریم اقتصادی غرب، کاهش فشارهای بین المللی، رفع ویرانی های ناشی از جنگ ایران و عراق، و کاهش برخوردهای سیاسی اجتماعی داخلی تمرکز یافت، و در راستای بازیابی جای گاه منطقه ای ایران و تغییر جهت موازنه منطقه ای به نفع جمهوری اسلامی ایران بر ایفای نقش مطلوب و افزایش نفوذ منطقه ای تاکید شد. در این مقطع، بنای سیاست خارجی ایران بر اساس اصول "عزت، حکمت و مصلحت" قرار گرفت، و سیاست خارجی ایران برخی راهبردهای قدیمی را به رغم تحولات ساختاری نظام بین الملل نادیده نگرفت و با اتخاذ سیاست موازنه میان قدرت های بزرگ، و استفاده از رقابت سیاسی و اقتصادی قدرت های اروپایی و آمریکایی و آسیایی بر اساس دیپلماسی "مثبت" به گسترش شرکای تجاری و طرف های اقتصادی، اتخاذ سیاست متنوع سازی در خصوص منابع سرمایه گذاری خارجی، استفاده از ابزارهای هم کاری جویانه و دیپلماسی چند جانبه گرا در سازمان های بین المللی، روی کرد اصلاح طلبانه در قبال نظام بین الملل، تنش زدایی و ارتقای هم کاری اقتصادی و دوجانبه گرا (با کشورهای عربی و آسیایی مرکزی و قفقاز) و چند جانبه گرا (دراکو، اوپک) را در صدر اولویت خود قرار داد. در این برهه جمهوری اسلامی تلاش کرد، به عنوان دولت هم یار به میانجی گری در قضایای داخلی تاجیکستان و منازعه قره باغ بین جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان پردازد، و به عادی سازی روابط با دولت های همجوار اهتمام ورزد. و موضوع سلمان رشدی را در قالب سیاست چند جانبه گرا و در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی

دنبال کند و در قبال نهضت های آزادی بخش، برخورد گزینشی و براساس قواعد وسع (حمایت به میزان توانایی وامکانات)، و تدرج (انجام مرحله ای و تدریجی و گام به گام) را مراعات نماید. در این مقطع، ایران در عین حفظ فاصله با آمریکا، روی کردی آشتی جویانه در قبال ژاپن و روسیه در پیش گرفت، در برابر قضیه چچن رفتار احتیاط آمیز را دنبال کرد و روابط دوستانه ای را با آلمان و فرانسه و ایتالیا اعمال نمود، در ای ن دوره اروپا با مخالفت در قبال قانون داماتو مبنی بر تحریم اقتصادی ایران، در مقابل سیاست تحمیلی آمریکا ایستادگی نمود. هم چنین ایران با روی کردی مسالمت گرا و دیپلماسی آشتی جویانه در قبال همسایگانش موضعی سازش جویانه تعدیلی در قبال شورای هم کاری خلیج فارس در پیش گرفت.

با شروع به کار دولت خاتمی در دوره (۱۳۸۴-۱۳۷۶)، و مطرح شدن مباحثی چون جامعه مدنی، تکثرگرایی در ساختار داخلی، و اندیشیدن به روشی نوین در رفتار خارجی به صورت مسالمت گرا و تنش زدا در قالب (ایده گفت و گوی تمدن ها)، باعث شکل گیری نوعی تحول فکری و بینشی جدید در عرصه سیاست خارجی ایران شد. سیاست خارجی ایران در این دوره همانند دوره قبل از خود (۱۳۷۶-۱۳۶۸)، سیاست تنش زدایی را در عرصه خارجی در پیش گرفت و تلاش کرد تا با ارائه دیدگاه های مختلفی چون گفت و گوی تمدن ها و تنش زدایی و ائتلاف برای صلح بر پایه عدالت، کارآمدی خود را بالا برده و زمینه را برای استفاده از فرصت ها فراهم سازد و از حالت انفعالی به وضعیت فعال و پویا حرکت کند. سیاست خارجی ایران در این دوره تلاش کرد تا از حلقه تنگ مهار سیاسی، نظامی و تکنولوژیک آمریکا رهایی یابد و با توجه به موقعیت استراتژیک مهمی که ایران در یک منطقه پرتنش دارد، موقعیت دفاعی و بازدارندگی اش را تقویت کند و در وهله سوم نیز، تلاش کرد که با تنش زدایی، به رفع تعارضات بین خود و کشورهای منطقه و همسایه در قالب ابتکاراتی چون گفت و گوی تمدن ها در سطح سازمان های بین المللی خصوصا سازمان ملل پردازد. در این دوره واقع بینی سیاسی ایجاب می کرد که نوعی انطباق بین محیط فکری- وادراکی در محیط عملیاتی در سیاست خارجی ایران برقرار گردد، به گونه ای که در قبال نهضت های آزادی بخش سیاست تدریج گرایی مورد استفاده قرار گرفت. در کل اصول سیاست خارجی ایران را می توان در موارد ذیل خلاصه کرد: ۱. تنش زدایی و کوشش در سطح منطقه ای و بین المللی ۲. تاکید بر گفت و گو و مفاهمه بین فرهنگ ها جهت حل و فصل مسائل و مشکلات مطرح در سیاست خارجی ۳. تلاش در جهت خنثی سازی سیاست های ضد ایرانی از طریق شرکت فعالانه در کنفرانس ها و مجامع بین المللی در

جهت هم‌کاری، تشریک مساعی و کسب پرستیژ ۴. کوشش برای شناساندن تمدن اسلامی به عنوان تمدنی خواهان صلح، عدالت و گفت‌وگو در روابط بین‌الملل ۵. سعی در جذب و استفاده از پتانسیل و توانایی‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور ۶. سیاست‌گذاری خارجی با توجه به مقدمات و محذورات بین‌المللی بعد از پایان سیاست خارجی دوره خاتمی، سیاست خارجی ایران در سال ۱۳۸۴ شاهد تحرکی جدیدی شد. این دوره سیاست خارجی ایران روی کرد و جهت‌گیری متفاوتی را نسبت به دو دوره قبل از خود در پیش گرفت که هدف گفتمان آن عدالت محوری در عرصه داخلی و استفاده عادلانه از فرصت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در محیط بین‌المللی با هدف به چالش کشیدن قدرت‌های بزرگ و ساختار بین‌المللی و دفاع از امنیت ملی شکل گرفت. سیاست خارجی ایران در این دوره از یک سو، این‌انگاره آرمان‌گرایانه مبنی بر کارکرد درست و بی‌عیب و نقص سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و ساختار نظام بین‌الملل را مورد تردید قرار داده و خواستار تغییرات ساختاری در برخی از نهادهای جهانی مانند سازمان ملل بر مبنای عدالت محوری شده و از سوی دیگر بر نبود عدالت در نظام بین‌الملل تاکید دارد. البته این رویکرد انتقادی در همه جا یکسان نبوده و در رابطه با برخی سازمان‌ها و کشورها دولت احمدی‌نژاد مجبور به تعدیل سیاست خارجی و سازش بوده است. این‌که چگونه و چرا دولت نهم و دهم علی‌رغم برخورداری از خصلت اصول‌گرایی و تاکید بر ارزش‌های اول انقلاب و مخالفت با وضع موجود در صحنه روابط بین‌الملل به سازش و مماشات با برخی سازمان‌ها و کشورها از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس روی آورده است، مسئله این رساله می‌باشد. و این‌که چه عواملی چه از حیث داخلی و چه در سطح نظام بین‌الملل باعث شده که دولت احمدی‌نژاد اولاً به مقابله با برخی سازمان‌ها و کشورها بپردازد و دوم این‌که چرا در سیاست خارجی دولت نهم و دهم استراتژی تلاش برای ائتلاف و یا حداقل هم‌کاری با کشورهای حاشیه خلیج فارس در صدر اولویت‌ها، و به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر مطرح بوده است. سیاست خارجی آرمان‌گرایانه دولت احمدی‌نژاد چرا با همه‌ی اختلافات ایدئولوژیکی، تاریخی، و مسائل و مشکلات دیگری که جمهوری اسلامی ایران با شورای هم‌کاری خلیج فارس دارد، خواهان برقراری روابطی دوستانه با کشورهای عضو شورای هم‌کاری خلیج فارس شده است. این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این مسئله است.

با چرخش نگرشی بایع گفت که این دوره از سرطست خارجی ایران با تاکید بر استفاده از آرمان‌های
اولی انقلاب و اصول آن، شاهد شکل‌گیری دوره جدیدی از آرمان‌گرایی در سرطست خارج‌ی جمهوری

اسلامی ایران است که مشخصه اصلی آن می‌تواند مواردی چون ۱. تاشی پذیری روی کرد سرطست خارجی از ضرورت‌های اینئولوژی یک بخش از تحولات محیط بین‌المللی ۲. تاکید بر آرمان‌های انقلاب ۳. مخالفت اعلانی و اعمالی با سرطست‌های آمریکا در سطح منطقه ای و بین‌المللی باشد ۴. اتحاد و برقراری رابطه با کشورهای مخالف آمریکا در حوزه‌ی آمریکای لاتین و تلاش برای بهبود روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس به منظور خروج ایران از انزوای سیاسی-اقتصادی که توسط آمریکا و کشورهای غربی بر ایران تحمیل شده بود و تلاش برای ائتلاف با رقبای آمریکا، مانند روسیه، و به‌ویژه کشورهای حوزه‌ی آسیای شرقی. بنابراین می‌توان گفت که مشخصه اصلی در این دوره از سرطست خارجی ایران آرمان‌گرایی باشد. لذا روی کارآمدن دولتی با این ویژگی نگارنده را بر آن داشت که ضمن بررسی اصول و الگوی رفتاری حاکم بر دولت احمدی نژاد شناخت بهتری را نسبت به گفتمان حاکم بر این دولت نسبت به کشورهای منطقه و الگوی رفتاری دولت نهم و دهم در قبال کشورهای حاشیه خلیج فارس به دست دهد.

۱-۱-۱- سوال تحقیق

چه عواملی باعث تعدیل سیاست خارجی انتقادی دولت احمدی نژاد، در رابطه با کشورهای عربی عضو شورای هم‌کاری خلیج فارس بوده است؟

۱-۱-۲- فرضیه تحقیق

چنین به نظر می‌رسد که ملاحظات استراتژیکی، باعث تعدیل سیاست خارجی انتقادی دولت احمدی نژاد در رابطه با کشورهای عربی عضو شورای هم‌کاری خلیج فارس بوده است.

۱-۱-۳- متغیر مستقل

ملاحظات استراتژیکی مربوط به موقعیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد

۱-۲- اهداف تحقیق

۱. مشخص نمودن استراتژی ها و سیاست های استفاده شده و نشان دادن اشتراک و افتراقات
برونداهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۲. مشخص ساختن دامنه تغییرات در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت
احمدی نژاد

۳. تعیین چگونگی نقش موقعیت ژئوپولیتیکی خلیج فارس بر تعدیل سیاست خارجی انتقادی دول
احمدی نژاد در رابطه با کشورهای عربی عضو شورای هم کاری خلیج فارس.

۱-۳- نوآوری پژوهش

این کار تحقیقی با استفاده از یک روش توصیفی - تحلیلی قاعده مند دامنه تحولات و تغییرات سیاست
خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت نهم و دهم را مورد بررسی قرار داده تا بتوان اهمیت و میزان تاثیر
برون داد های سیاست خارجی که نقش تعیین کننده ای در موفقیت و ناکامی سیاست خارجی یک کشور
دارد را در محیط و سیستم خرد و کلان تحلیل نماید و هم چنین جزو نخستین پژوهش هایی باشد که تاثیر
موقعیت ژئوپولیتیکی خلیج فارس را بر شکل دهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت نهم و
دهم بررسی می کند و نشان دهد که چگونه دولت های انقلابی و تجدید نظر طلبی مانند دولت نهم و دهم از
برخی اصول و ارزش های سیاست خارجی دولت خود آن هم بر اثر اجبار جغرافیایی در رابطه با برخی
کشورها و برخی سازمان ها، عدول می کنند.

۱-۴- تعریف مفاهیم

۱-۴-۱- سیاست خارجی

مجموعه خط مشی ها، تدابیر، و اتخاذ موضعی است که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چارچوب اهداف کلی بر نظام سیاسی اعمال می نماید، به عبارت دیگر سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست های یک دولت در صحنه روابط بین الملل در ارتباط با سایر دولت ها و سازمان های بین المللی می باشد. بنابر تعریف یاد شده سیاست خارجی هر کشور شامل دو قسمت مجزا می شود:

الف: اهداف ملی که هر کشور در صحنه بین المللی تعقیب و در صدد تحصیل آنها است.

ب: سیاست ها و روش های که برای رسیدن به اهداف مزبور اتخاذ و اعمال می گردد.

۱-۴-۲- رفتار سیاست خارجی

منظور از «رفتار سیاست خارجی» مجموعه اسراتژی و سیاست های اجرا شده توسط یک نظام سیاسی است که در ذیل اصول، و به راهنمایی «ایده»، (یعنی شکل دهنده انتزاعی ترین بخش «سیاست خارجی» که مقصود و فلسفه وجودی آن را نشان می دهد. به عبارت دیگر، ایده، منطق عمومی حاکم بر کلیه ساخت ها، اصول و قواعد جاری را نشان داده و راهبری کل سیاست خارجی را برعهده دارد) شکل می گیرند. «رفتار» از آن حیث اهمیت دارد که ساز و کار عملیاتی برای تحقق اهداف بیان شده هر بازی گرا شامل می شود. که در سیاست خارجی می توان رفتار سیاست خارجی به دو رفتار سیاست خارجی «کلان» و «خرد» تقسیم کرد.

۱-۴-۳- سیاست خارجی واقع گرا

روی کردی در سیاست خارجی، که براساس یک انتخاب منطقی و عقلانی کلیه محاسبات - هزینه ها و فایده ها در راستای منافع ملی و آرمان های دست یافتنی شکل می گیرد در این وضعیت تلاش می شود براساس مصلحت گرایی، الزامات دولتی و واقعیات نظام بین الملل، برحسب ضرورت و مصلحت پذیرفته شود و در راستای منافع ملی، مخاطرات را به حداقل و منافع را به حداکثر برسانند.

۱-۴-۴- سیاست خارجی آرمان گرا

روی کردی است در سیاست خارجی که به دلیل بی اعتبار دانستن و در نتیجه کم توجهی به ساختارهای فکری و گفتمانی حاکم بر نظام بین الملل موجود درصدد تاثیرگذاری بر محیط بین الملل و در نهایت تغییر آن مطابق با آمال خویش است. در این وضعیت تلاش می شود که با نقد و اصلاح وضع موجود به استقرار نظم مطلوب به عنوان یک هدف بلند مدت و راهبردی نگاه شود.

۱-۴-۵- سیاست خارجی ایدئولوژیک

قرآنتی است در سیاست خارجی، که به دلیل مجموعه ای از اهداف جزم گرایانه عقیدتی دینی یا مرامی بدون توجه به اهداف و وسایل رسیدن به آن به نحو واقع بینانه، و نیز بدون توجه به اولویت های سیاست خارجی درصدد افزایش انگیزش های اجتماعی و عقیدتی برای ایجاد چالش در برابر قدرت حاکم موجود در نظام بین الملل تاکید می کند.

۱-۴-۶- ژئواستراتژیک

به بررسی روابط بین استراتژی و عناصر جغرافیایی می پردازد. یعنی پیوند میان موقعیت خاص جغرافیایی یک کشور، که باعث اتخاذ خط و مشی ویژه ای از جانب آن کشور در عرصه ی روابط بین الملل می شود را مورد بررسی قرار می دهد

۱-۴-۷- ژئواکونومیک

عبارت است از مطالعه اثرگذاری عوامل یا زیر بناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه ای یا جهانی در تصمیم گیری های سیاسی و رقابت قدرت و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل گیرنده ژئوپلتیک منطقه ای و جهانی.

۱-۴-۸- ژئوکالچر

بیانگر چارچوب فرهنگی است که نظام ها، مکتب ها و ایدئولوژی ها در محدوده آن عمل کرده و اثر می گذارند و مقدمات و مبانی فکری خود را نه در محدوده ملی و محلی بلکه در یک جغرافیای فرهنگی منتشر می سازند. در ژئوکالچر تمرکز فعالیت ها بر فرهنگ به جای سیاست و اقتصاد است و از مؤلفه هایی چون دعوت فرهنگی، تبلیغ، نشان دادن کارآمدی، نشان دادن توانایی تولید سرمایه فرهنگی و اجتماعی و رابطه های معنوی و فرهنگی و مقاومت به جای زور و سیطره و استعمار استفاده می شود.

۱-۴-۹- ژئوپلتیک

ژئوپلتیک مفهوم قدیمی تری نسبت به واژه ژئوکالچر بوده و از ابتدای قرن بیستم به عنوان نشانه ای برای تحولات و درگیری های جهانی در مورد کسب، حفظ و بسط قدرت به کار رفته است. قرن بیستم را قرن ژئوپلتیک گفته اند. در طول قرن بیستم ژئوپلتیک به منظور تعریف و توصیف مستمر رقابت جهانی بین بلوک سرمایه داری غرب و بلوک شوروی و سیاست های استعماری در جهان سوم به کار رفته است. در ژئوپلتیک بسط جغرافیایی و سرزمینی به جای تکیه بر فرهنگ و روش های فرهنگی، بر سیاست و اقتصاد تکیه دارد.

۱-۴-۱۰- سیاست خارجی انتقادی

گفتمان انتقادی براساس تضادهای دو وجهی یا دوگانه ای چون "عدالت و ظلم"، "عادل و ظالم" و "حق و باطل" تشکیل می‌یابد که در آن همواره عناصر نخست بر دوم برتری و ارجحیت دارند. جهان واقعی نیز، بر این مبنا به دو بخش حقیقی و کاذب، و انسان‌ها به دو گروه حق و باطل تقسیم می‌شوند. این نظم موجود در نظام بین‌الملل را به چالش گرفته و خواهان برقراری نظمی دوباره بر اساس عدالت و برابری همه اعضای جامعه‌ی ملل می‌باشد.

۱-۵- پیشینه تحقیق

در مورد کارهای تحقیقاتی که در رابطه با موضوع پژوهش حاضر انجام شده باشد با توجه به جست‌وجوهایی که نگارنده در کتب و مقالات علمی داشته، پژوهشی که به صورت مستقیم به این مورد پرداخته باشد، موجود نیست. برخی از منابع که می‌تواند به لحاظ موضوعی مربوط به بحث این پژوهش باشد به عنوان پیشینه پژوهش و کمک‌کننده در پیش‌برد بهتر این کار تحقیقاتی انتخاب گردیده که به منظور نشان دادن نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها با تحقیق حاضر مورد بررسی فرار می‌گیرند.

۱-۵-۱- کتاب مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل

چاپ نخست کتاب «مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل (با گفتارهایی از دکتر محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران)» (۱۳۸۷) در قالب ۲۷ مقاله به همت مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری و از سوی نشر جمهور ایران منتشر شده است. این کتاب مشتمل بر مقالات و پژوهش‌های گوناگون از جمله متضمن گفتارهایی از دکتر احمدی‌نژاد در ماهیت و دستاوردهای سیاست خارجی دولت نهم است که با هم کاری جمعی از صاحب‌نظران و کارگزاران سیاست خارجی تحریر شده است. بر اساس مطالب کتاب، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بی‌شک باید تابعی از آرمان‌ها و واقعیت‌های وجودی انقلاب اسلامی باشد، زیرا سیاست خارجی برآیند امکان‌ها و استعدادهای داخلی یک کشور و نهضت‌های پیش‌برنده آن است که از سوی کارگزاران آن نظام و واحد سیاسی مهندسی و اجرا

می‌شود در این کتاب برخی مقالات به تلاش دولت احمدی نژاد در برقراری رابطه حسنه با کشورهای عضو شورای هم‌کاری خلیج فارس اشاراتی داشته‌اند اما ضرورت برقراری رابطه با این شورا را از منظر اعتقادی و اسلامی مدنظر قرار داده‌اند و اینکه ایران به عنوان ام‌القرای اسلام موظف است با اتحاد و دوستی با مسلمانان دست بیگانگان را در این منطقه کوتاه کند. کتاب مذکور از ضرورت اتحاد و اتخاذ سیاست تعاملی با کشورهای منطقه در قالب اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس بحثی به میان نیاورده است.

۱-۵-۲- کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد

نوشته حمید مولانا و منوچهر محمدی این کتاب ابتدا به برخی مباحث کلی در مورد سیاست خارجی مانند اهداف سیاست خارجی، نهادهای تنظیم‌کننده سیاست خارجی، ابزارهای مورد استفاده در سیاست خارجی، عوامل موثر در سیاست خارجی و اصول سیاست خارجی در اندیشه امام خمینی و رهبر انقلاب ... می‌پردازد و در ادامه، کتاب وارد مباحث مربوط به سیاست خارجی دولت احمدی نژاد می‌شود و در قالب چندین فصل اصول و آرمان‌های دولت احمدی نژاد را مورد بررسی قرار داده است. اما در این کتاب هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع پژوهش حاضر و یا مبحثی در رابطه با شورای هم‌کاری خلیج فارس یا موقعیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس نشده، فقط در قالب چندین بحث کوتاه به ضرورت اتحاد و برادری با کشورهای مسلمان، و تلاش دولت احمدی نژاد در این رابطه اشاراتی شده است. که نگارنده را در شناخت سیاست خارجی دولت نهم و دهم یاری رسانده است.

۱-۵-۳- کتاب سیاست خارجی دولت نهم

نوشته‌ی سید جلال دهقانی فیر و زآبادی (۱۳۸۸)، که در آن مباحث جالب توجهی از اصول و آرمان‌های دولت نهم در عرصه سیاست خاری و داخلی و هم شرایط و عوامل داخلی و خارجی در روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و تاثیر این عوامل و شرایط در شکل دهی به سیاست خارجی انقلابی و انتقادی دولت نهم بررسی گردیده است. در ادامه نویسنده این کتاب اظهار داشته دولت احمدی نژاد به منظور مقابله

با نظام سلطه، در پی تلاش برای ائتلاف و اتحاد با ملل مستقل و غیر متعهد و دشمنان آمریکا در حوزه ی آمریکای لاتین و رقبای این کشور در شرق آسیا بر آمده است، در رابطه با موضوع پژوهش حاضر در بخشی از کتاب به عنوان یکی از شرکای سیاسی و هدف ائتلافی دولت احمدی نژاد به سیاست تعاملی دولت نهم با شورای هم کاری خلیج فارس اشاراتی شده است اما این که چه عواملی در اتخاذ این تصمیم تاثیر داشته، یا اینکه موقعیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس چه نقشی در اتخاذ سیاست تعاملی با شورای هم کاری خلیج فارس داشته است، سخن خاصی به میان نیامده است.

۱-۵-۴- کتاب جای گاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان

نوشته غلام حسین واعظی و حیدر لطفی، (۱۳۸۷) این کتاب در چارچوب مقالات متعددی در اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس چه از بعد جغرافیایی و چه از بعد سیاسی را مورد بررسی قرار داده اند. در بخش هایی از این کتاب مباحثی هم چون اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس، نقش انرژی (نفت و گاز) در معادلات جهانی، مباحث مربوط به ژئواکونومیک منطقه و نقش ایران در منطقه خلیج فارس و میزان ذخایر نفتی و گازی منطقه خلیج فارس بررسی شده است. که پژوهش حاضر از این مطالب استفاده هایی برده است به ویژه در مباحث مربوط به آمار و ارقام تولید نفت و گاز در منطقه و اهمیت خلیج فارس بر معادلات جهانی کتاب ارزشمند است. اما این کتاب اشاراتی به شورای هم کاری خلیج فارس به جز در قسمت هایی که به منظور نشان دادن ذخایر انرژی کشورهای عضو بوده، سخنی به میان نیاورده است. با وجود این که در دوره ی زمانی دولت احمدی نژاد به چاپ رسیده است از رابطه ی میان ژئوپلیتیک خلیج فارس با سیاست خارجی و نقش دولت احمدی نژاد در معادلات مربوط به خلیج فارس و روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس بحث خاصی مطرح نکرده است.

۱-۵-۵- کتاب ژئوپلیتیک و اندیشه حکومت در ایران

نوشته علی رضا محرابی (۱۳۸۶) در این کتاب از رابطه میان موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و تاثیر آن بر روی کردهای کلان سیاست خارجی ایران سخن به میان آورده است. در بخش هایی از کتاب ضرورت توجه ویژه به این فرصت استثنایی توسط دولت مردان ایران مورد بررسی قرار گرفته است هم چنین در رساله مذکور جای گاه خلیج فارس در معادلات جهانی و موقعیت خاص ایران در منطقه خلیج فارس مباحث جالبی مطرح گردیده است. در کل محتوای این کتاب به تاثیر جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک یا تاثیر محیط بر سیاست می پردازد، در این راستا تاثیرات انسان و محیط بر حکومت نیز ارزش والایی یافته است. این کتاب به بررسی عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر ساخت اندیشه ی حکومت اختصاص دارد. در بخشی از کتاب ضمن مفهوم شناسی به تبیین عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر ساخت و تحول اندیشه ی حکومت و روند تکامل مطالعات جغرافیدانان سیاسی در حوزه ی اندیشه ی حکومت پرداخته شده است. بخشی دیگر به بررسی عوامل موثر بر ساخت اندیشه ی حکومت در ایران اختصاص دارد، و حکومت های ایران در قیل و بعد از اسلام اختصاص یافته. در آخر نیز اندیشه ی حکومت جمهوری اسلامی ایران به مثابه ی تحلیل ژئوپلیتیکی یک مکان ارزیابی می گردد. نویسنده معتقد است " در طول تاریخ حکومت هایی که نتوانسته اند ماهیت ایران زمینی را با تکیه بر خواست و اراده ی مردم در این سرزمین شکل دهند، حکومت هایی با عمر کوتاه و استبدادی بوده اند". نویسنده، ایران را از جمله معدود کشورهایی می داند که هویت جمعی آن ماهیتی فراقومی دارد تا این که صرفاً بر قومیت خاصی تاکید نماید. " اما نویسنده کتاب در رابطه با موضوع پژوهش حاضر بحثی به میان نیاورده است و محتوای این کتاب بر دولت خاصی متمرکز نشده است و این که دولت احمدی نژاد در قبال ژئوپلیتیک خلیج فارس و کشورهای حاشیه آن چه اقداماتی انجام داده است مبحثی مطرح نشده است. هرچند از این کتاب به طور مستقیم در پژوهش حاضر استفاده نشده، اما اثر یاد شده دارای مباحث ارزشمندی برای علاقه مندان به نقش ژئوپلیتیکی ایران و وظیفه دولت مردان ایران در قبال این موقعیت حساس جغرافیایی، در جهان است.

۱-۵-۶- کتاب تحلیلی بر اوضاع ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خلیج فارس

نوشته احمد عقلمند (۱۳۸۶). محتوای این کتاب را به مباحث مهمی در خصوص نقش بی نظیر خلیج

فارس در معادلات جهانی و هم چنین اهمیت ژئواکونومیکی خلیج فارس پس از جنگ سرد و اهمیت

روزافزون این منطقه در آینده اختصاص داده است. هم‌چنین در بخش‌هایی از کتاب به بررسی وضعیت سیاسی اجتماعی کشورهای حاشیه خلیج فارس و میزان ذخایر نفت و گاز این کشورها سخن به میان آمده. در این کتاب بر ضرورت توجه ویژه ایران به این منطقه به عنوان مهم‌ترین کشور حاشیه خلیج فارس با توجه به حضور بیگانگان در منطقه که نقش ژئواستراتژیکی و هدایت‌کننده ایران در منطقه را با چالش مواجه کرده‌اند، تأکید شده است هم‌چنین نویسنده به نقش ایران و برخی کشورهای مهم حاشیه خلیج فارس مثل عربستان در امنیت منطقه اشاراتی داشته است اما این کتاب نیز از دولت خاصی در جمهوری اسلامی سخنی به میان نیاورده و هم‌چنین به جز اشارات کوتاهی به رابطه ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس بر نقش و وظیفه دولت خاصی در این زمینه بحثی نداشته است. هرچند از مطالب این کتاب به طور مستقیم در پژوهش حاضر استفاده نگردیده، اما به توجه نگارنده به مباحث مهم در رابطه با اهمیت خلیج فارس و نقش این منطقه در معادلات جهانی، کمک کرده است.

۱-۵-۷- گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد

تلاش سید جلال دهقانی فیروز آبادی (۱۳۸۶)، در این مقاله شناخت ارکانی است که می‌توانند نقش "اصول" را در عرصه سیاست خارجی ایفا کنند. لذا تأکید به گزاره‌های بنیادین در حوزه اسلامیت، ایرانیت و آرمان‌های انقلابی، اولویت یافته و نویسنده به بازتعریف این ارکان متناسب با فضای سیاست خارجی اقدام کرده است. بحث این مقاله با شناخت سیاست خارجی شروع شده و نویسنده با روی‌کردی متفاوت به سیاست خارجی می‌پردازد و تلاش دارد روی‌کرد اصول‌گرا در عرصه سیاست خارجی را تبیین و تأیید نماید. برای همین منظور نویسنده ضمن تعریف سیاست خارجی در ایران، به شناسایی ادوار مختلف تحول تاریخی آن از پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان حاضر پرداخته و در این چشم‌انداز تاریخی نسبت انتخاب مقطع دولت آقای احمدی نژاد به عنوان یک مطالعه موردی برای ارائه مصادیق اصول‌گرایی همت‌گمارده است. با این حال مقاله هیچ‌گونه اشاره‌ای به بحث رساله حاضر نداشته و یا در این خصوص که خلیج فارس در شکل‌دهی به سیاست خارجی دولت احمدی نژاد چه نقشی داشته سخنی به میان نیامده است.